

واکاوی نقش و جایگاه زنان کرد در جامعه ایلی کرمانشاهان در دوره قاجار با تکیه بر مدارک و شواهد تاریخی

حسن کریمیان^۱، فرید احمدزاده^{۲*}، حامید نورسی^۳

چکیده

هدف این پژوهش مطالعه و شناخت جایگاه زنان کرد در جامعه ایلی کرمانشاهان دوره قاجار و میزان تأثیرگذاری آنان در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی براساس گزارش‌های سیاحان، اسناد و نقش سنگ قبرهای منطقه است. سیاحان اطلاعات نادری درباره زندگی ایلی و عشایری و جنبه‌های دیگر زندگی اجتماعی زنان ارائه می‌دهند. آنان زنان را بن‌مایه و ستون فقرات ایل و محور هرگونه تلاش و کوشش دانسته‌اند و معتقدند زن نقش شاخص و مهمی در پایداری و استحکام نظام خانوادگی و ایلی داشته است. نکته جالب توجه آنکه سنگ قبرهایی از زنان در این منطقه به یادگار مانده که متعلق به دوره قاجار است. نقش سنگ مزارهای جامعه ایلی کرمانشاهان بازتاب جایگاه اجتماعی و فردی متوفی در زمان خود بوده است. لذا، این پژوهش با چنین رویکردی به روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای و میدانی به بررسی موضوع می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد زنان کرد در جامعه ایلی کرمانشاهان دوره قاجار نقشی انکارناپذیر در ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایفا کرده‌اند. بنابراین، شاهد حضور زنان کرد عشایر کرمانشاهان در نقش و جایگاه ارباب و رئیس جامعه ایل، مالکیت زنان بر زمین، تولید صنایع دستی و نقش مهم آن‌ها در عمل «وقف» هستیم.

کلیدواژگان

ایل، زن، قاجاریه، کرد، کرمانشاهان.

karimi@ut.ac.ir

fa.ahmadzadeh@ut.ac.ir

hamidnorsi@yahoo.com

۱. دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دکتری، باستان‌شناسی دوره اسلامی، دانشگاه تهران

۳. کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، گرایش دوره اسلامی، دانشگاه هنر اصفهان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۸/۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۲۷

مقدمه

برای مطالعه و شناخت جایگاه و نقش زن در جامعه ایلی کرمانشاهان دوره قاجار و شناخت و بررسی آن از جنبه‌های سیاسی باید جنبه‌های دیگر زندگی اعم اجتماعی و اقتصادی و سایر مسائل آن جامعه نیز در نظر گرفته شود، زیرا در هیچ جامعه‌ای وضعیت زنان از جنبه‌های مختلف از وضعیت عمومی آن جامعه مجزا نبوده است. بر این اساس، برای بررسی دقیق نقش زن در ابعاد مختلف جامعه ایلی نمی‌توان به ویژگی‌ها و شرایط سیاسی و دینی حاکم در همان برهه زمانی بسنده کرد، چون که جایگاه و نقش در یک جامعه ایلی و عشایری متأثر از نحوه تفکر و طرز زندگی اجتماعی آن جامعه طی چندین سده بوده که از نسل‌های گذشته رسیده و به تدریج در زندگی مادی آن جامعه ایلی و عشایری به مرور تبلور یافته است. بنابراین، نحوه برخورد با زنان و نوع نگرش به آنان در هر جامعه متفاوت و تحت تأثیر باورها و اعتقادات قرار دارد. سفرنامه‌ها، گزارش‌ها و اسناد از منابع مهم تاریخی، باستان‌شناسی و مردم‌شناسی هستند که می‌توانند زوایای پنهان و تاریک تاریخ و فرهنگ یک ملت را آشکار کنند. نگاه کنجکاو سیاحان درباره وضعیت اجتماعی و فرهنگی زنان در جوامع ایلی دوران قاجار موجب شده است در آثارشان توجهی ویژه به این بخش از جامعه داشته باشند. به همین منظور، در جهت مطالعه و شناخت جایگاه زنان ایلی، به این مقوله باید توجه لازم و کافی داشت. سنگ قبرها ارتباط خاصی با زندگی انسان داشته و بستر با ارزشی برای به تصویر در آوردن باور و افکار او بوده است. سنگ قبرها به عنوان داده مادی مستند در شناخت نقش زنان در ساختار اجتماعی ایل، مهم و انکارناپذیر است؛ نقش‌های به کاررفته روی این سنگ‌قبرها نیز متنوع است و طیفی از عناصر اجتماعی موجود در جامعه ایلی را بازتاب می‌دهد. با این حال، در دوره قاجار، عشایر بخش بزرگی از جمعیت ایران را تشکیل می‌دادند. طبق برآوردی در اوایل این دوره، نزدیک به یک‌چهارم جمعیت کشور از ایلات و عشایر بودند [۴، ص ۷۸]. از دوره صفویه، کرمانشاهان همواره یکی از نواحی مهم سرحدی غرب ایران بوده است. این ایالت از شمال به کردستان، از شرق به همدان، از جنوب شرقی به لرستان، از جنوب به خوزستان و از غرب به امپراتوری عثمانی محدود بود. با اینکه شهر کرمانشاه سابقه‌ای دیرینه دارد، در دوره اسلامی تا اواسط دوره صفویه، تحت‌الشعاع شهرهایی چون دینور، حلوان و بیستون قرار داشت. بار دیگر در زمان صفویه بود که کرمانشاهان اهمیت و اعتبار زیادی یافت. در دوره سلطنت شاه طهماسب اول، حکومتی به نام کلهر و در زمان شاه صفی، حکومتی با عنوان سنقر و کلهر در این حدود وجود داشته است که به خوانین زنگنه تفویض شده بود. درحقیقت، از این زمان، تجدید بنای کرمانشاه و تشکیل ایالت کرمانشاهان شروع می‌شود [۲۹، ص ۴۳]. تا قبل از این تاریخ، اطلاق نام کرمانشاهان یا صورت‌های معرب آن منحصر به شهر کرمانشاه بود. از این دوره به بعد است که کرمانشاهان هم شهر و هم ایالت بزرگ‌تری را شامل شد. وجه بارز زندگی در ولایت

کرمانشاهان در عصر قاجار، عشایری و کوچ روی بود. ایل‌ها بازیگران سیاسی، نظامی، اقتصادی و... منطقه محسوب می‌شدند. این پژوهش بر پایه اسناد و مدارک تاریخی در راستای چهار ایل کلهر، گوران، سنجابی و زنگنه مطالعه شده است.

هدف پژوهش حاضر تبیین نقش و جایگاه زنان کرد در جامعه ایلی و عشایری کرمانشاهان براساس اسناد و مدارک تاریخی در دوره قاجار است. سفرنامه‌ها و شرح‌خاطرات، گزارش‌ها و اسناد مربوط به ایلات و همچنین سنگ قبرهای موجود به‌منزله شواهد مادی و مستند از منابع مهم مطالعات و بررسی‌های باستان‌شناسی اسلامی و جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی محسوب می‌شوند. سیاحان گزارش جامعی از اوضاع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی منطقه کرمانشاهان و فراز و فرود آن در دوره قاجار ارائه کرده‌اند. این سیاحان، صرف‌نظر از انگیزه و دیدگاه و گرایش اصلی‌شان، با دقت و ظرافت خاصی جامعه عشایری ایلات کرمانشاهان را توصیف کرده‌اند. در کنار سفرنامه‌ها و گزارش‌های موجود، نقش سنگ قبرهای به‌یادگارمانده از مناطق ایلی کرمانشاهان در طی دوره قاجار را که فرهنگ و جهان‌بینی مردمان این منطقه را بازتاب می‌دهند، به‌عنوان تنها شواهد مادی مستند، به‌منظور شناخت جایگاه زنان عشایر در جامعه ایلی کرمانشاهان عصر قاجار واکاوی می‌کنیم.

عصر قاجاریه سرآغاز فصل جدیدی از حیات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زنان ایرانی است [۵، ص ۱۲۹]. آشنایی با روند تحولات جایگاه اقتصادی و پایگاه اجتماعی زنان عصر قاجار از جنبه‌های گوناگون، به‌ویژه از بعد مطالعات باستان‌شناسی اجتماعی و آگاهی از برخی زوایای مغفول حیات اجتماعی زنان، حائز اهمیت است. بدیهی است که این سیر تحول و تداوم جامعه مرتبط با آداب و رسوم و فرهنگ آنان است و در اعصار و قرون ریشه دارد. بنابراین، این تغییرات بنیادی در وضعیت اجتماعی و سیاسی و اقتصادی با توجه به سفرنامه‌ها و اسناد موجود در ساختار جامعه ایلی منعکس شده است. مقام و موقعیت زن در جامعه ایلی و عشایری از نکاتی است که سیاحان در آن اتفاق نظر داشته و آن را ستایش کرده‌اند. درحقیقت، زن، در جامعه ایلی کرمانشاهان، همواره نقش بنیادی داشته و از جایگاهی ویژه برخوردار بوده است. سؤالاتی که این پژوهش حول آن تنظیم شده، عبارت است از: وضع زیست‌زنان کرد در جوامع ایلی کرمانشاهان دوره قاجار چگونه بوده است؟ زن در جامعه ایلیاتی کرمانشاهان دوره قاجار دارای چه جایگاه و کارکرد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بوده است؟

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق این پژوهش به صورت تاریخی و تحلیل مطالب به روش توصیفی-تحلیلی بوده است. مواد اصلی پژوهش ما نیز در این مطالعه گزارش سیاحان و سفرنامه‌ها، اسناد و آرشیوهای داخلی و نقش سنگ قبرها که خود نمودی از بازتاب جایگاه اجتماعی و... مردمان این منطقه

است. نگارندگان در این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش‌اند که آیا زنان در زندگی سیاسی و اجتماعی ایلات کرمانشاهان به جایگاهی خاص و مهم دست پیدا کرده‌اند. به عبارت دیگر، این پژوهش بررسی میزان تأثیرگذاری زنان بر اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه عشایری و ایلی کرمانشاهان را واکاوی می‌کند. البته باید گفت که نگارندگان در این پژوهش فقط به بررسی برخی از جنبه‌های زندگی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی زنان کرد کرمانشاهان پرداخته‌اند که در اسناد و منابع تاریخی و شواهد مادی موجود در منطقه، اطلاعاتی به دست آورده‌اند. انجام دادن این کار مستلزم کاوش در داده‌های دسته اول و روشن کردن زمینه تاریخی موضوع بود. بنابراین، این پژوهش بر پایه منابع تاریخی (سفرنامه و گزارش سیاحان)، آرشیوهای داخلی، نقوش سنگ قبرها به‌منزله شواهد مادی موجود ایلات کرمانشاهان در دوران قاجار انجام گرفته است.

پیشینه پژوهش

با آنکه نوشته‌های برجای مانده درباره ایلات و عشایر کردستان و کرمانشاهان متنوع و بسیار زیاد است، هیچ‌یک از آنان اطلاعاتی درباره زنان و نقش و جایگاه آنان ارائه نمی‌دهند. شایان ذکر است که در میان سفرنامه‌ها و گزارش‌های متعددی که از سیاحان خارجی به ما رسیده است، فقط معدودی از آنان نظیر بروگش^۱ [۲، ص ۵۹]، پولاک^۲ [۱۰، ص ۲۰۲]، ویلر بنجامین^۳ [۵، ص ۸۲]، سرپرسی سایکس^۴ [۱۷، ص ۴۰۰]، گابریل^۵ [۳۳، ص ۲۹۴] و کارلا سرنا^۶ [۲۰، ص ۲۵۰] توانسته‌اند اطلاعات نسبتاً دقیق از اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران عصر قاجاریه در سفرنامه‌های خویش ارائه دهند. گزارش سیاحان خارجی در خصوص زنان، مسائل مختلفی از قبیل پوشش، روابط خانوادگی، آرایش، خانه‌داری، همسرداری، باورها، عقاید و فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی را دربرمی‌گیرد. در این میان، بیشترین اطلاعات از زنان ایلیاتی و عشایر کرد در سفرنامه‌هایی همچون سفرنامه هانری بایندر [۷، ص ۴۰۳] و سفرنامه پولاک [۱۰، ص ۲۰۳] دیده می‌شود که منابعی ارزشمند در این زمینه به شمار می‌روند. در کتاب تحفه ناصری [۶، ص ۳۳۲]، مطالبی جسته و گریخته درباره زندگی زنان کرد آمده است. اطلاعات موجود در اسناد خطی موجود در آرشیوهای مجلس و سازمان اسناد و مراکز دیگر بسیاری از ناگفته‌ها از زندگی اجتماعی و اقتصادی زنان کرد در جامعه ایلی کرمانشاهان را بازگو می‌کنند. برخی از پژوهش‌های مستشرقان با آنکه عمدتاً به جنبه‌های کلی فرهنگی، تاریخی، سیاسی و

1. Brugsch
2. Pollock
3. Wheeler Benjamin
4. Sir Percy Sykes
5. Gabriel
6. Carla Serena

اجتماعی کردستان در قلمرو ایران و عثمانی پرداخته‌اند، گاه در این باره مفید است. از آن جمله، مارتین ون برواین سن^۱، از مشاهیر کردشناس کنونی جهان، در کتاب جامعه‌شناسی مردم کرد: *آغا، شیخ و دولت* (ساختارهای اجتماعی کردستان) [۳۹، ص ۸۰-۱۱۲] و مقاله «از عادلانه خانم تا لیلانزه: زنان در جایگاه رهبران سیاسی در کردستان» [۴۱، ص ۹۵-۱۱۲]، تا حدودی به صورت سطحی و گذرا به مسئله زن در جامعه کردستان پرداخته است. نقص بزرگ و اساسی پژوهش‌های غربی نیز همانا دسترسی نداشتن کردشناسان به اسناد مکتوب و آرشیوهای داخلی ایران است. بنابراین، در هیچ‌یک از پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه ایلات و عشایر کرمانشاهان به نقش و جایگاه زنان در جامعه دوره قاجاری اشاره نشده است. از این رو، این پژوهش در نوع خود تا حدود زیادی یگانه است و عمده داده‌های پژوهش حاضر بر پایه اسناد گردآوری شده است.

ساختار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایلات کرمانشاهان عصر قاجار

تعاریف بسیار متعددی از ایل، عشیره، طایفه، قبیله و نظایر آن شده است [۲۷، ص ۲۹]. ایل در سازمان اجتماعی عشایر اتحادیه سیاسی از چند طایفه است که اغلب سرزمین مشترک دارند و بالاترین رده نظام سلسله‌مراتب تقسیمات اجتماعی عشایر است که از اتحاد چند طایفه به وجود آمده است. در متون تاریخی، واژه ایل نخستین بار به هنگام حکومت ایلخانان به کار برده شده است و بر اقوام کوچ‌نشین و نیمه‌کوچ‌نشین دلالت دارد [۲۷، ص ۹۰]. در ایجاد جامعه ایلی باید به دخالت عوامل متعدد از یک سو و تمییز سطوح مختلف آن در قشربندی جامعه ایلی از سوی دیگر قائل شد. در مورد این عوامل، باید علاوه بر عامل خویشاوندی، تبار مشترک، هم‌پیوندی خونی، عوامل سیاسی و اقتصادی را نیز در نظر گرفت [۲۶، ص ۵۳]. جامعه ایلی صرفاً جامعه‌ای ابتدایی نیست و مبانی آن در تعلقات خویشاوندی، زبانی، نژادی یا خونی ریشه ندارد، بلکه ترکیبی از شرایط تاریخی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که البته از درون آن می‌توان مؤلفه‌های خویشاوندی، زبانی، مذهبی و سیاسی را نیز استخراج کرد. تنوع فرهنگی، جغرافیایی، خویشاوندی، زبانی، مذهبی و نژادی، ویژگی ایلات ایران به‌طور کلی و به‌ویژه ایلات کرمانشاهان به شمار می‌رود [۲۴، ص ۱۳۶-۱۳۷]. برخی وجه ممیزه جامعه ایلی از غیرایلی و ایلات دیگر را کوچ‌روی می‌دانند. بر این اساس، قلمروها، چراگاه‌ها، ایل‌راه‌ها و مالکیت مراتع ایلات مشخص است [۲۵، ص ۸]. البته این امر بدان معنا نیست که کل ایل کوچ‌رو باشند یا حداقل این امر در مورد ایل‌های کرمانشاهان صدق نمی‌کند، زیرا بخش درخور ملاحظه‌ای از چهار ایل مورد نظر در پژوهش حاضر یکجانشین بوده‌اند و ییلاق و قشلاق نمی‌رفته‌اند.

پایه و اساس فعالیت عمده اقتصادی و شیوه معیشت عشایر بر پرورش دام و دوام دامداری هم مستلزم کوچ مستمر است. بنابراین، دامداری و کوچ در ارتباط متقابل بوده‌اند. اقتصاد ایلی در ایلات کوچنده کرمانشاهان اساساً بر دامپروری و تولید فرآورده‌های دامی نهاده شده بود و فعالیت‌های زراعی در میان آنان نقش ثانوی داشت. دام سرمایه اصلی ایل، به‌ویژه کوچندگان، به شمار می‌رفت و هر خانواده ایلی ناگزیر از حفظ و توسعه این سرمایه همگانی بود. تولید صنایع دستی نیز بخشی از وظایف روزانه خانواده عشایری، به‌ویژه زنان، و مکمل فعالیت دامداری و زراعت بود. توصیف بالا از فعالیت‌های اقتصادی عشایر در مورد ایل‌های کرمانشاهان هم مصداق دارد، اما باید در نظر داشت که تفاوت‌هایی هم در ساختار اقتصادی عشایر با توجه به شرایط سیاسی و جغرافیایی آن‌ها وجود دارد. فعالیت‌های زراعی و باغی هم بخش درخور توجهی از اقتصاد ایلات کرمانشاهان را تشکیل می‌داد. فعالیت‌های زراعی و باغی مربوط به طوایف و تیره‌هایی از ایل بود که یکجانشین یا نیمه‌کوچ‌رو بودند.

ساختار یا نظام سیاسی جامعه ایلی برآمده از شکل‌گیری نوع روابط میان گروه‌های عشایر متحد با یکدیگر است. از این‌رو، ایل در واقع یک واحد سیاسی از جمعیت عشایری است که بر پایه روابط ساختی و کارکردی میان طایفه‌ها و تیره‌های بهم‌وابسته، زیر نظر گروهی از سران و رهبران ایل، سازمان یافته و به اعتقاد برخی به خودی خود مستعد ایجاد ساخت ویژه‌ای از قدرت شده‌اند که مبانی آن در زندگی عشایری و سازمان اجتماعی قبیله‌ای نهفته است [۹، ص ۳۷۶]. نظام سیاسی ایل در دستگاه نیرومندی متشکل از سران و بزرگان طایفه‌ها و تیره‌ها، هویت و قوام می‌یافت. نقش و کارکرد این دستگاه، گردآوری نیروهای رزمی و آرایش سپاهیان جنگی برای دفاع از سرزمین، چراگاه، دام، اموال و جان افراد ایل در برابر تهاجم‌های همسایگان، حکومت‌ها و دولت و نیز حکمیت در منازعات درون‌ایلی، شرکت در گفت‌وگوها و مبادلات اقتصادی و سیاسی با ایلات همسایه و حکومت‌ها و دولت بود. از این طریق، دستگاه رهبری ایل، وحدت، یکپارچگی و نظم و امنیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را در درون ایل ایجاد می‌کرد [۳، ص ۲۷۶]. برخی از مردم‌شناسان و محققان این حوزه ساختار سیاسی جامعه‌های ایلی ایران را مربوط به شرایط محیط زیست و شیوه کوچندگی و شبان‌کاری نمی‌دانند، بلکه اعتقاد دارند که هویت سیاسی جامعه ایلات بیشتر از رابطه آنان با حکمرانان و دولت‌ها در مواقع ویژه تاریخی شکل می‌گرفت [۱۱، ص ۱۶].

درواقع، ساختار اجتماعی و سیاسی ایلات کرمانشاهان نظامی منسجم است که هسته خانواده (زن و شوهری) به واسطه آن به مجموعه ایل مرتبط می‌شود و نیز به مدد این سازمان، ایل قادر است وظایف ویژه خود همچون جنگ، حفظ امنیت، تقسیم مراتع و کوچ و دامداری را انجام دهد [۲۴، ص ۳۶]. زن در این ساختار نیمی از کالبد ایل است که نقشی تعیین‌کننده در بقا و گسترش نسل ایل و پرورش آن دارد. در سلسله‌مراتب پایگاه اجتماعی زنان، خان‌زاده-

خانم- در کنار عالی‌ترین مقام و مرتبه سیاسی ایل، یعنی ایلخان، بود. در ادامه، به مطالعه و شناخت نقش و جایگاه زنان کرد در سه عرصه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در جامعه ایلی کرمانشاهان دوره قاجار می‌پردازیم.

جدول ۱. سلسله‌مراتب ساختار اجتماعی و سیاسی ایلات کرمانشاهان دوره قاجار

ساخت اجتماعی	ساخت سیاسی
ایل	ایلخان- ایل‌بیگی
قسمت	خان
طایفه	کلانتر
تیره	کدخدا- ریش‌سفید
خانوار	رئیس خانوار

نقش و جایگاه زن کرد در ایل

اجتماعی

بنابر نوشته‌های اکثر منابع، همچون سفرنامه‌ها و گزارش‌های مستشرقان، زنان ایلات در میان کردها از وضعیت متفاوت‌تری نسبت به زنان عرب و ترک برخوردار بودند. آنان از مردان بیگانه روی نمی‌گرفتند و از دیدن آنان سراسیمه نمی‌شدند [۳۷، ص ۲۵]. می‌توان گفت کردها از نظر احترام به زنان از پیش‌روترین اقوام مسلمان به شمار می‌رفتند [۳۶، ص ۲۱۱]. آن‌ها حتی اغلب در مسائل اجتماعی با همسرانشان به گفت‌وگو می‌نشستند. حتی پسران را به نام مادرانشان می‌خواندند [۳۵، ص ۷۵]. با وجود این، بسیاری از امور خانه برعهده زنان بود. از پخت نان گرفته تا دوشیدن شیر حیوانات اهلی و امور مربوط به خانه‌داری، شامل نظافت خانه، آشپزی، مراقبت از فرزندان و مهمان‌داری برعهده زنان بود. آنان هنگام غیبت و نبود همسرانشان از مهمانان پذیرایی می‌کردند. اکثر زنان ایل سوارکار و تفنگ‌چی بودند. زنان کرد پاک‌دامن بودند، اما اگر خطایی از آنان سر می‌زد، به احتمال قوی کشته می‌شدند [۳۲، ص ۷۶]. زنان عادی ایل بیشتر اموری همچون تأمین آب از چشمه، دوشیدن گاو و گوسفند، مواد و خوراک دام از کوه را برعهده داشتند. زنان رسای ایل، که به آن‌ها «خانم» می‌گفتند، نیز زندگی راحتی داشتند [۳۶، ص ۲۱۱] و به نوعی زندگی آنان نموداری از وضعیت اقتصادی‌شان بود؛ بدین معنا که اگر همسر او یک رعیت ساده یا چوپان ایل بود، طبعاً زندگی بر او سخت می‌گرفت. از لحاظ شیوه معیشت، زندگی زنان عشایر و ایلی کرمانشاهان در این دوره از حالت کوچ‌نشینی صرف تا حدود زیادی فاصله گرفته و به سطح زندگی روستایی رسیده بود؛ که گستردگی گورستان‌ها و سنگ قبرهای متنوع با ذکر تاریخ در کنار روستاها در دوران مزبور دلیل و شواهد عینی چنین گفته‌ای است. لباس زنان کرد به رنگ‌های گوناگون و عموماً تیره بود. بسیاری از سیاحانی که در دوره

قاجار از کرمانشاهان بازدید کردند، عموماً لباس آنان را متفاوت از نقاط دیگر ایران دانستند. زنان، مانند مردان، پیراهنی از کرباس آبی می‌پوشیدند. اغلب پاها و ساق‌هایشان تا زانو برهنه بود و روسری بر سر داشتند [۴۰، ص ۱۳۷]، اما صورتشان را پنهان نمی‌کردند که تصاویر حجاری شده روی سنگ قبرها در مناطق مورد پژوهش دلیلی بر این ادعاست (تصویر ۱). هانری بایندر^۱، که در اواخر سده نوزدهم از کرمانشاهان دیدن کرد، لباس آنان را راحت‌تر از لباس زنان مسیحی دانست به روایت او زنان کرد لباسی می‌پوشند که بسیار عجیب و غریب است. لباس بعضی از آن‌ها دارای شلیته‌هایی است که چیزهای از جنس نی دارند، با دامنی سرخ‌رنگ یا نیم‌تنه [۷، ص ۴۰۳]. زنان کرد عشایر در مناطقی از کرمانشاه هنوز از این لباس، با قدری تفاوت، استفاده می‌کنند. البته باید گفت که این لباس برگرفته از فرهنگ کهن و شرایط زندگی در محیط کوهستانی (بیلاق- قشلاق) کرمانشاهان بود.

به روایت سیاحان در دورانی که زنان ایرانی برون خانه در پس روبند و درون خانه در اندرونی بوده‌اند و از هرگونه فعالیت‌های اجتماعی محروم بوده‌اند [۳۵، ص ۳۱]، زنان ایلات و عشایر بدون نقاب در جامعه ظاهر می‌شدند و آزادی عمل بیشتری داشتند [۶، ص ۶۳]. کولیوررایس^۲ می‌گوید: زنان و دختران خان‌ها مقام و منزلتی کسب کرده‌اند که کمتر کسی از خواهران آن‌ها در مشرق‌زمین از آن برخوردار است [۳۲، ص ۶۲]. در سفرنامه^۳ دوید^۳ آمده است: «اعتماد و باوری که به تقوای زنان ایلیاتی نشان داده می‌شود مقام و رفعت او را بالا می‌برد. درعین حال، شخصیت خود او قدرشناسی را در بین اطرافیان برمی‌انگیزد و او را رفیق و یار مناسب‌تری برای مرد می‌کند» [۱۵، ص ۳۲۸]. زنان ایلیاتی دوشادوش مردان در کارهای بیرون از منزل فعالیت داشتند و زمانی که خوانین محلی در ولایت دوردست به سر می‌بردند، زنان سررشته امور را به دست می‌گرفتند و زندگی و کار وابستگان به ایل را هدایت می‌کردند [۳۲، ص ۵۹].

با بررسی اسناد مکتوب در زمینه موقوفات، جهشی بزرگ در زمینه وقف اموال در میان عشایر به چشم می‌خورد و افراد خیر، به‌خصوص زنان ایل، دارایی‌ها و املاک خود را در موارد متعدد و گوناگون وقف کرده‌اند؛ مثلاً، سکینه خانم، دختر هدایت‌الله خان، از املاکش ۱۶ روستا را وقف بر اولاد کرده است. مه‌رافروز خانم، مادر عمادالدوله حاکم کرمانشاه، ۱۵ روستای شش‌دانگ در منطقه چمچمال^۴ را وقف کرده است [۲۸، ص ۴۷۵]. خانم قمرتاج ساری اصلانی مقداری زمین به همراه ۲۲۰ حلقه چاه در کنگاور را وقف کرده و تولیت با شخص واقف بوده است. برخی زنان تولیت املاک وقفی را برعهده داشتند و با استخدام مباشر، ضابط، کدخدا و...

1. Henry Binder
2. Colliver Rice
3. Baron De Bode
4. Chamchamal

از املاک بهره‌برداری می‌کردند. تولید مزرعه چال‌چاله در کرمانشاه برعهده جواهر خانم بود، تولید مزرعه یلوه، گاکیه و... از طرف واقف، کشور سلطان خانم، به بانوان اختر و عشرت خانم خانم واگذار شده است [۲۸، ص ۵۷]. بنابراین، درآمد حاصل از روستاها و زمین‌های وقف‌شده صرف امور خیریه می‌شد.



تصویر ۱. جزئیاتی از تصویر زنان جامعه ایللی کرمانشاهان دوره قاجار، منبع: نگارندگان

سیاسی

گرچه جامعه ایللی و عشایری کرد جامعه‌ای مردسالار شناخته شده، در برخی موارد زنان توانستند نقش سیاسی و حتی گاه نظامی در درجات بالا ایفا کنند [۳۷، ص ۹۵]. میزان دخالت زنان ایللی در امور سیاسی و دیوانی به قابلیت آنان و رفتار مردان و اوضاع سیاسی ولایت بستگی داشت. با این وصف، برخی از زنان در حد توانایی در امور سیاسی دخالت می‌کردند؛ بدون پشتوانه و معمولاً در پشت صحنه [۱۸، ص ۲۹]. زنان در پاره‌ای از موارد رهبری قبیله خود را با موفقیت برعهده می‌گرفتند و رضایت اتباع را جلب می‌کردند [۳۲، ص ۳۵].

جایگاه و مقام منحصر به فرد زن در ایل، در نگاه مکین روز به حدی است که زنان کشورهای غربی، که از حق رأی برخوردار بودند، به آن‌ها غبطه بخورند. زن ایل از مزایایی برخوردار بود که هر زن آزاده‌ای آرزوی آن را داشت. در دوره‌ای که زن چندان به چشم نمی‌آمد و امکان فعالیت در ملأعام را نداشت، زن ایل پایه‌پای مردش، در همه عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی فعالیت می‌کرد. با زن‌ها در همه زمین‌ها و حتی مسائل خاص سیاسی مشورت می‌شد و توصیه‌های آنان معمولاً مثبت و مثمر بود [۳۴، ۸۰-۹۷]. زن‌های ایل سرپرستی و وظایف شوهرانشان را در موقع اشتغال آن‌ها به امور دیگر به نحو شایسته و تحسین‌آمیزی به انجام می‌رساندند. «زمانی که خوانین ایلات در ولایت‌های دوردست به سر می‌برند، زنان سررشته امور را به دست می‌گیرند و زندگی و کار متعلقان و وابستگان به ایل را هدایت می‌کنند» [۲۹، ص ۳۲].

با استناد بر منابع مکتوب، زنان جامعه ایلی کرمانشاهان به جایگاه مردانه «خان» دست یافته‌اند؛ مثلاً، در دوره حاکمیت محمدعلی میرزا دولت‌شاه در کرمانشاه، ریاست ایل کلهر برعهده «خان‌زاده خانم» بود. حتی محمدعلی میرزا دولت‌شاه طالب ازدواج با خان‌زاده خانم بود [۱۲، ص ۱۶۰]. سرجان مالکوم^۲ در سال ۱۸۰۱ هنگام عبور از شهر کرمانشاه، در توصیف رئیس ایل ماهی‌دشت می‌گوید: «رئیس ماهی‌دشت زنی قوی‌بنیه است با حدود پنجاه سال سن و قدرت تصمیم‌گیری و قاطعیت بسیار؛ چون کاترین امپراتریس روسیه» [۳۴، ص ۶۵۷].

ازدواج به‌عنوان عامل سیاسی یکی از عوامل توسعه مالکیت زنان در جامعه ایلی بود و قشرهای مسلط، در دوره قاجار، از طریق ازدواج باهم پیوندها را حفظ می‌کردند [۱، ص ۴۵]. در غالب عقدنامه‌های دوره قاجاریه مهریه زنان به صورت ملکی تعیین شده است؛ مثلاً، مالکیت هفت دهکده در ماهی‌دشت کرمانشاه به واسطه ازدواج دختر یکی از خوانین کلهر به حکام زنگنه، در عوض مهریه، به کلهرها منتقل شد [۲۱، ص ۴۷۸]. سلطان خانم، دختر سبزه‌علی خان زنگنه، معروف به «کدخدا»، به واسطه ازدواج با امام‌قلی میرزا عمادالدوله مالک املاک وسیعی در کرمانشاه شد. بتول اعتضادی، دختر جوان میرزا سیدعلی خان لشکر نویس، با وجود چهل سال اختلاف سن، با عبدالحسین فرمانفرما ازدواج کرد. پس از فوت فرمانفرما، اداره املاک وی در کرمانشاه برعهده بتول فرمانفرمایان بود.

اقتصادی

به دلیل خودکفایی نسبی اقتصاد عشایری و ایلی در کرمانشاهان دوره قاجار، زنان نقشی انکارناپذیر در اقتصاد خانواده خود برعهده داشتند، اما آشکار و روشن است زنان عشایری در

1. Khan
2. Sir John Malcoim

انتخاب این سبک زندگی اختیاری از خود نداشتند. به عبارت دیگر، به دلیل اشتغال مردان خانواده به امور کشاورزی، جنگی و چوپانی، زنان ناچار بودند این میزان از مسئولیت خانواده را بپذیرند. از سوی دیگر، مطابق اسناد بازمانده، زنان طبقات بالای جامعه ایلی می‌توانستند آزادانه و مستقلاً وارد معاملات اقتصادی در جامعه شوند. بنابراین، به نظر می‌رسد که میزان استطاعت مالی و اقتصادی زنان تأثیری مستقیم بر میزان نفوذ سیاسی و اجتماعی آنان داشت.

به موازات پیشرفت تعاملات جامعه ایلی و یکجانشینی سران ایلات و عشایر کرمانشاهان، زمینه ورود رؤسای قدرتمند ایلات به مناسبات کشاورزی ارباب رعیتی فراهم شد. این تغییر سبک زندگی، به همراه سایر عوامل همچون جایگاه زن در جامعه ایلی، زمینه حضور زنان در نظام مالکیت زمین را فراهم کرد.

حضور زنان در نظام مالکیت زمین، مناسبات سخت و خشن ارباب رعیتی را تا حدودی تعدیل کرد. رعایای اربابان زن قیود اجتماعی کمتری داشتند و نسبت به رعایای خان از آزادی بیشتری برخوردار بودند [۴۲، ص ۵۸۵]. طبق اسناد مکتوب، در سال ۱۲۴۴ ق بانوان «یک‌زاده خانم»، «خدیجه سلطان خانم» و «زینب سلطان خانم» سهمی از مزرعه معروف کاشانتو^۱ در چمچمان کرمانشاه را از وارثان حاجی علی رضاخان زنگنه خریداری کرده‌اند [۲۲، ۲۹۸/۸۱۲۵۹].

فرهنگ مادرسالاری (زن‌سالاری) ارتباطی تنگاتنگ با مالکیت زمین داشته است. در میان طوایفی از ایل، که زنان زمین‌دار نمود بیشتری داشته‌اند، برخی ویژگی‌های مادرسالاری و به تبع آن اصطلاح دایی یا خالو با وظایف خاص اجتماعی مطرح شده است. در طوایفی که ویژگی‌های مادرتباری نیرومندتر است، همه زنان بیگانه را خاله و همه مردان غریبه را دایی می‌خوانند [۱۳، ص ۹۳]. برخی زنان جامعه ایلی کرمانشاهان با فروش حقوق اربابی و جمع‌آوری بهره مالکانه از زمین بهره‌برداری می‌کردند؛ مثلاً، «فاطمه سلطان خانم» دختر محمدقاسم خان زنگنه، از زنان مالک در ایل زنگنه بود. فاطمه سلطان خانم در سال ۱۲۶۹ ق زمین‌هایی در منطقه ماهی‌دشت به طوایف ایل اجاره داده است. مهر بانوی ارباب در پای سند اجاره‌نامه نقش بسته است [۲۲، ۲۹۶/۲۴۵۸۶].

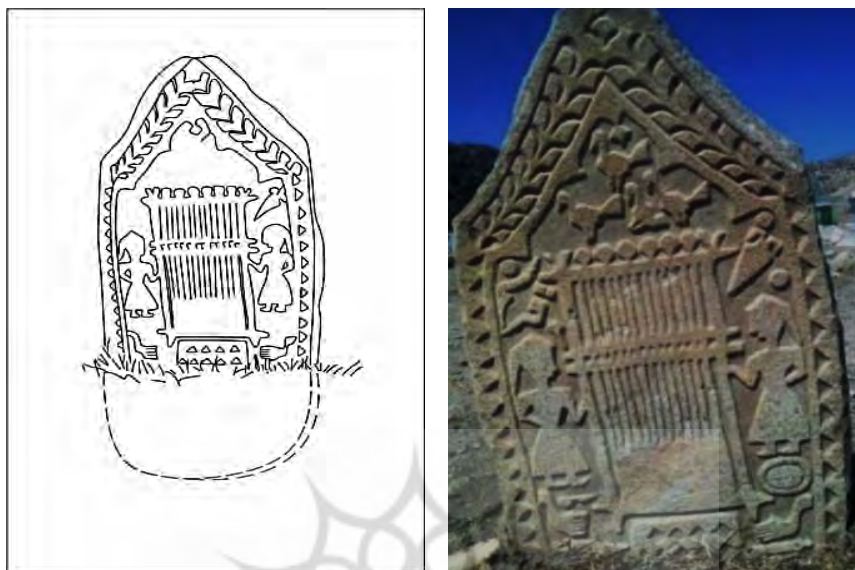
درآمد خانوارهای ایلیاتی از طریق تولید دامی تأمین می‌شود و زنان جامعه ایلی کرمانشاهان در این نوع فعالیت تولیدی نقشی بارز ایفا می‌کنند. فعالیت‌های دامداری و تولید فرآورده‌های دامی و جابه‌جایی و کوچ به کار و فعالیت زنان عشایر وابسته است؛ به طوری که مکن‌روز زنان را ستون فقرات و محور اصلی هرگونه تلاش و کوشش در ایل دانسته است [۳۵، ص ۹۳]. در صورت حذف این عنصر تولیدی، نظام تولید عشایری موازنه خود را از دست می‌دهد. بسیاری از سیاحان وضعیت مطلوب‌تر زندگی زنان عشایر در مقایسه با زنان شهری را می‌ستایند [۲۳،

ص ۶۴]. زنان ایلات و عشایر به مراتب بیش از زنان جامعه شهری هم در وجه اساسی تولید جامعه عشایری، یعنی «دامداری» و هم در وجوه فرعی تولید جامعه، مثل بافت عشایری و جمع‌آوری گیاهان دارویی و خوراکی، خانواده خود را یاری می‌رسانند [ص ۳۸، ۱۲۹]. آنچه بیشتر از سایر فعالیت‌های مهم زندگی ایلی زنان کرد بر سنگ قبر آنان در منطقه به یادگار مانده و در گزارش سیاحان مختلفی ذکر شده است اتحاد زنان در فعالیت‌های اقتصادی (گله‌داری، قالی‌بافی، رستن نخ‌های پشمی و مویی) است (تصویر ۲). زنان ایل همه لباس‌های خود و شوهران و بچه‌ها را می‌دوختند و علاوه بر آن، در بالابردن سیاه‌چادرها و خالی کردن اثاثیه و مواظبت از گله و رمه‌ها و سایر کارها به شوهران خود کمک می‌کردند [ص ۶، ۲۲۰].

زنان ایلات کرمانشاهان بافندگی را از هنگام جوانی و در خانواده از مادران خود نسل‌به‌نسل می‌آموختند؛ رستن نخ، که اولین مرحله بافندگی است، از هنر زنان ایل بود. رستن نخ‌های پشمی، بافتن قالی و قالیچه، سیاه‌چادر، جاجیم و گلیم همه برعهده زنان بود. علاوه بر نقش حجاری صنایع دستی آن‌ها بر سنگ قبرها، سیاحان در سفرنامه‌ها و گزارش‌های خود به آن اشاره کرده‌اند؛ از صنایع دستی که زن‌های ایل درست می‌کردند می‌توان از چادربافی، قالی‌بافی، تهیه زین و یراق اسب، بافت جوراب و دستکش نام برد [ص ۵، ۱۹۲؛ ص ۱۰، ۳۸۱، ۳۳۵، ۳۳۲؛ ص ۱۴، ۳۲۶؛ ص ۱۶، ۱۵۴؛ ص ۳۰، ۵۳]. قالی‌بافی از منابع بزرگ درآمد زنان خوانین بود. آن‌ها زنان دیگر را به‌عنوان بافنده به کار می‌گماشتند و دستگاه قالی‌بافی را نزدیک محل سکونت خود برپا می‌کردند تا بتوانند بر کار نظارت کنند [ص ۲۹، ۶۳]. به همین دلیل بر اکثر سنگ قبرهای زنان ایلیاتی کرمانشاهان تصویر دار قالی، به‌عنوان یکی از شغل‌های مهم در زندگی عشایری، حک شده است (تصویر ۳). بنابراین، این زنان که مواد و کالاهای ذکرشده را برای بازار تولید می‌کردند، باعث درآمد بیشتری می‌شدند؛ بدون اینکه از دسترنج خود نفعی ببرند. اضافه‌شدن نقش آن‌ها در تولید به نقش‌های سنتی جامعه ایلی، که همچنان ادامه داشت، فشار بیشتری را نسبت به گذشته بر آن‌ها وارد آورد. ولی این مشارکت در تولید، قدرت آن‌ها را در خانواده بیشتر کرد و میزان جدایی‌دنیای زنان را از مردان تقلیل داد [ص ۴۳، ۱۶].



تصویر ۲. جزئیاتی از سنگ قبرهای زنان ایلی کرمانشاهان دوره قاجار، منبع: نگارندگان



تصویر ۳. جزئیاتی از هنر بافندگی (دار قالی) زنان ایلی کرمانشاهان بر سنگ قبرها، منبع: نگارندگان

جدول ۲. نقش (فعالیت) و جایگاه زن کرد در سه عرصه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در جامعه ایلی کرمانشاهان دوره قاجار

اقتصادی	سیاسی	اجتماعی
- حمایت از امور تجاری و خدماتی - هماهنگی زنان ایل در تولید و گسترش رونق اقتصادی در داخل ایلات	- ریاست ایل و رسیدن به مقام «خان» در میان ایلات - اتخاذ تصمیم‌های سیاسی داخل ایلات	- برقراری امنیت ایل و خانواده - کنترل نظام و انسجام معیشت ایل - نظارت بر فعالیت‌های اجتماعی ایل
- نقش مهم زنان در خودکفایی نسبی اقتصادی در داخل ایل - حضور زنان در نظام مالکیت زمین - نقش آنان در رواج و گسترش فرهنگ مدرسالاری در داخل ایلات - نقش کارآمد آن‌ها در نظام تولید دام در ایل	- هدایت نظام ایلیاتی - ازدواج به‌عنوان یک عامل مهم سیاسی و نقش آن در رسیدن قدرت زنان ایلات	- ایفای نقش در اعمال مذهبی و نیکوکارانه مانند وقف - کنترل امور مربوط به نظافت، مراقبت و مهمان‌داری در محیط ایلیاتی - نقش مهم آن‌ها در کوچ و جابه‌جایی
- نقش مهم اقتصادی تولید صنایع دستی (قالی‌بافی) در داخل ایلات - اتحاد و مشارکت زنان در تولید صنایع دستی و کشاورزی و رسیدن به خودکفایی در جامعه ایلی		- حضور مؤثر در بزم و رزم - حضور در مسابقات و تفریحات سالم - نظارت بر امور کشاورزی، جنگی و گله‌داری

نتیجه‌گیری

بررسی و مطالعه نقش و جایگاه زن، آن هم در جامعه ایلی و عشایری کرمانشاهان در دوره قاجار، براساس اسناد و مدارک مکتوب، که در گذشته اتفاق افتاده، قطعاً با چالش‌هایی مواجه خواهد بود. بنابراین، داده‌ها و شواهد اطلاعاتی ما درباره زنان کرد در جامعه ایلی کرمانشاهان بیشتر براساس گزارش سیاحان و اسناد مکتوب باقی‌مانده از جامعه ایلی و عشایری کرمانشاهان است. باید گفت بدون مراجعه به سفرنامه‌ها و مدارک مکتوب دوره قاجار بحث از زندگی اجتماعی و سیاسی زنان کرد در جامعه ایلی اصلاً ممکن نیست. درواقع، بخش بزرگی از زندگی جوامع ایلی صرفاً در گزارش سیاحان، اسناد و نقوش سنگ قبرها منعکس شده است و به‌جز مطالعه آن‌ها راهی برای بازجست آن وجود ندارد. بر این اساس، سفرنامه‌ها منابعی مهم برای شناخت تاریخ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یک جامعه‌اند و از این جهت که کمتر تحت تأثیر حکومت‌ها بوده‌اند اطلاعات موجود در آن‌ها خاص و قابل اعتماد به نظر می‌رسد. اطلاعات تکمیلی و حمایت‌کننده دیگر در این خصوص به صورت محدود در نقوش سنگ مزارهای موجود و باقی‌مانده از جوامع ایلی کرمانشاهان در دوره قاجار، به‌عنوان مهم‌ترین شاهد در این

خصوص، نگاشته شده است. سنگ قبور ارتباطی خاصی با زندگی انسان دارد و بستری بالارزش برای به تصویر در آوردن باور و افکار او بوده است و نقش‌های به‌کاررفته روی این سنگ قبرها نیز متنوع است و طیفی از عناصر اجتماعی موجود در جامعه ایلی را بازتاب می‌دهد. اطلاعات استخراج‌شده از متون تاریخی و اسناد گویای این است که زن در ساختار اجتماعی ایلات کرمانشاهان نیمی از جمعیت را شامل می‌شد و نقش مهمی در پایداری و استحکام نظام خانوادگی و قبیله‌ای داشت؛ تا جایی که سیاحان مقام و موقعیت زن را در سازمان اجتماعی ایلات و عشایر منحصربه‌فرد توصیف کرده‌اند و آن‌ها را ستون فقرات ایل و محور اصلی هرگونه تلاش و کوشش دانسته‌اند. در زمینه و عرصه عمل وقف زنان کرد جامعه ایلی کرمانشاهان همچون بسیاری از عرصه‌های دیگر اجتماع بسیار پررنگ ظاهر شده و نشان‌دهنده حضور فعال آنان در اجتماع بوده است. نکته جالب توجه دیگر آنکه به لحاظ منزلت اجتماعی، در ابتدا زنان طبقات مرفه و در ادامه زنان واقفه از طبقات و قشرهای مختلف جامعه، به‌خصوص جامعه ایلی و عشایری کرمانشاهان، در این سنت پسندیده مشارکت داشته‌اند. از نظر پوشاک و پوشش، زنان ایلی کرمانشاهان در هر مقامی از نظر ظاهری چندان متفاوت نبودند و تفاوت در کیفیت پارچه و نوع کار و زیورآلاتی بوده که روی لباس انجام می‌شده است. بررسی‌ها در بردارنده اطلاعات فراوانی در باب مشارکت‌های اقتصادی زنان ایلات و عشایر کرمانشاهان در جامعه است. این گزارش‌ها ضمن اشاره به محدودیت‌های زنان ایل از جهت حضور در اجتماع به فعالیت‌های اقتصادی آنان نیز اشاره کرده‌اند. زنان ایل افزون بر خانه‌داری و تربیت فرزندان، در دوشیدن شیر، خمیرکردن و پخت نان، آب به دوش کشیدن، دوغ‌زدن و درست کردن ماست، پنیر، کره، کشک و روغن، و تولید صنایع دستی، بافتن قالی و قالیچه و دباغی مهارت داشته‌اند. یکی از این صنایع دستی مهم قالی‌بافی بود که در نقش سنگ قبرها نمود برجسته‌ای دارد و نشان اهمیت آن بین ایلات کرمانشاهان به‌عنوان یک تولید اقتصادی است. در گزارش سیاحان آماده است که زنان ایل همه مراحل تهیه قالی را، از ریسندگی و رنگرزی پشم تا بافت آن، خود انجام می‌دادند. اسناد و مدارک گویای این مطلب است که تعداد درخور توجهی از مالکان زمین در اواخر دوره قاجار در کرمانشاهان زن بوده‌اند. گرایش زنان وابسته به خوانین ایل‌های کرمانشاهان به مالکیت خصوصی زمین سبب افول جمعیت‌های ایلی کوچ‌رو و پراکنده و تمرکز بر یکجانشینی ایلات و عشایر در روستاها شد. هم‌زمان با استقرار بیشتر ایلات کرمانشاهان (نشانه اصلی این استقرار وجود گورستان‌های متنوع با ذکر تاریخ در روستاهاست) در اواسط دوره قاجار در روستاها و برقراری امنیت و... زمینه را برای حضور بیشتر زنان در نظام مالکیت زمین هموار کرد. پرداخت بهره مالکانه زمین به صورت نقدی، زن‌سالاری، ازدواج‌های سیاسی و... از تبعات مالکیت زنان ایلیاتی در نظام ارباب رعیتی بود. باید گفت زن کرد جامعه ایلی کرمانشاهان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی خوانین و سرداران ایل نقشی مهم داشته و در مواردی آنان به‌عنوان

رئیس ایل بر ایل و طایفه خود حکمرانی کرده‌اند. بسیاری از مسائل سیاسی ایلات کردها را زنان برعهده داشتند یا آنکه نقش عمده‌ای در اداره امور طایفه داشتند. در مناطق ویژه‌ای از کرمانشاهان، حکمرانی زنان امری رایج بود و در سفرنامه جان مالکوم به این موضوع به‌صراحت اشاره شده است. شرکت در جنگ‌ها و امور اجتماعی و عشیره‌ای بخشی از آزادی اجتماعی و نفوذ زنان کرد بوده است. زنان معمولاً دارای اسب و مادیان مخصوص خود بوده‌اند و بخشی از دارایی‌های ایل و عشیره (زمین و باغ‌ها، گوسفند و بز و...) و اختیارات آن به زنان اختصاص داشت. همچنین، این مسئله در متون مکتوب به‌راحتی قابل فهم است که جایگاه و نقش زنان وابسته به خوانین ایل با عامه مردم متفاوت بود. درنهایت، باید مطرح کرد که مطالعات متون و اسناد مکتوب بخشی از مطالعات فرهنگی است، زیرا حلقه‌های مفقوده فرایندهای زندگی روزمره جوامع را در گذشته به‌خوبی آشکار می‌کند.

منابع

- [۱] اشرف، احمد (۱۳۶۱). *دهقانان، زمین و انقلاب*، تهران: مجموعه کتاب آگاه.
- [۲] بروگش، هنریش (۱۳۴۸). *سفری به دربار سلطان صاحب‌قران*، ترجمه مهندس کردیچه، تهران: اطلاعات.
- [۳] بلوکباشی، علی (۱۳۸۲). *جامعه ایلی ایران، از ایران چه می‌دانم؟* دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۳۱.
- [۴] بن‌تان، اگوست (۱۳۵۴). *سفرنامه اگوست بن‌تان*، ترجمه منصوره نظام‌مافی اتحادیه، تهران: چاپخانه سپهر.
- [۵] بنجامین، ساموئل گرین ویلر (۱۳۶۳). *ایران و ایرانیان*، ترجمه آوانس‌خان و تصحیح ذکاءالملک فروغی، به اهتمام رحیم رضازاده ملک، تهران: گلبانگ.
- [۶] بیشوب، ایزابلا (۱۳۷۵). *از بیستون تا زردکوه بختیاری*، ترجمه مه‌راب امیری، تهران: سهند.
- [۷] بایندر، هنری (۱۳۷۰). *سفرنامه هانری بایندر: کردستان، بین‌النهرین و ایران*، ترجمه کرامت‌الله افسر، تهران: یساولی.
- [۸] بیرجندی، زهرا؛ ناصری، اکرم (۱۳۴۹). «بررسی مشارکت‌های اقتصادی زنان شهری در عصر قاجار با تکیه بر گزارش‌های سیاحان خارجی»، *س ۶، ش ۱۱، پاییز و زمستان*، ص ۱۲۷-۱۵۲.
- [۹] پرهام، باقر (۱۳۶۲). *طرح مسئله ایلات و عشایر از دیدگاه جامعه‌شناسی*، تهران: آگاه.
- [۱۰] پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸). *سفرنامه پولاک*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.
- [۱۱] تاپر، ریچارد (۱۳۶۲). *سازمان اجتماع‌های کوچ‌رو در خاورمیانه*، ترجمه ه‌م‌زدا، تهران: آگاه.
- [۱۲] چریکف (۱۳۷۹). *سیاحت‌نامه مسیو چریکف*، ترجمه آبکار مسیحی، به کوشش علی‌اصغر عمران، تهران: امیرکبیر.
- [۱۳] خسروی، خسرو (۱۳۷۲). *جامعه‌شناسی ده در ایران*، تهران: دانشگاه تهران.
- [۱۴] دروویل، گاسپار (۱۳۸۷). *سفرنامه دروویل*، ج ۲، ترجمه جواد محبی، تهران: گوتنبرگ.
- [۱۵] دوبد، بارون (۱۳۷۱). *سفرنامه لرستان و خوزستان*، ترجمه محمد حسین‌آرا، تهران: علمی و فرهنگی.

- [۱۶] راولینسون، هنری (۱۳۶۲). *سفرنامه راولینسون*، ترجمه اسکندر امان‌اللهی، تهران: آگاه.
- [۱۷] سایکس، سرپرسی (۱۳۶۳). *ده هزار میل در ایران*، ترجمه حسین سعادت‌نوری، تهران: دنیای کتاب.
- [۱۸] سجادی، علاء‌الدین (۱۳۸۱). *تاریخ جنبش‌های کردستان*، ترجمه رئوف کریمی، سنندج: کردستان.
- [۱۹] سنندجی، شکرالله (۱۳۷۵)، *تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان*، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- [۲۰] سرنا، کارلا (۱۳۶۲). *آدم‌ها و آیین‌ها در ایران*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- [۲۱] سلطانی، محمدعلی (۱۳۷۲). *جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان*، ج ۱ و ۴، تهران: سپا.
- [۲۲] سازمان اسناد ملی (ساکما): شماره سند، ۲۹۶/۲۴۵۸۶؛ ۲۹۸/۸۱۲۵۹.
- [۲۳] شیل، مری لئونورا (۱۳۶۲). *خاطرات لیدی شیل*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نو.
- [۲۴] طبیبی، حشمت‌الله (۱۳۷۴). *مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر*، تهران: دانشگاه تهران.
- [۲۵] عضدالملک، علیرضا بن موسی (۱۳۷۰). *سفرنامه عضدالملک به عتبات*، به کوشش حسن مرسلوند، تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
- [۲۶] فیروزان، ت (۱۳۶۲). *درباره ترکیب و سازمان ایلات و عشایر ایران*، تهران: آگاه.
- [۲۷] کتابچه ایلات کرمانشاهان، نسخه خطی. کتابخانه و موزه کاخ گلستان، مجموعه ناصری، ج ۵.
- [۲۸] کشاورز، محمد (۱۳۸۲). *زندگان عرصه عشق*، مجموعه اسناد وقفی اداره کل اوقاف و امور خیریه استان کرمانشاهان، ج ۱ و ۲، کرمانشاه: طاق‌بستان.
- [۲۹] کریمیان، حسن؛ قبادی‌زاده، حمزه (۱۳۹۶). *بافت تاریخی کرمانشاه: سازمان فضایی و عناصر شاخص معماری*، تهران: سمیرا.
- [۳۰] کوپر، مریان‌سی (۱۳۳۴). *سفری به سرزمین دلاوران*، ترجمه امیرحسین ظفر ابلخان، تهران: امیرکبیر.
- [۳۱] کینان، درک (۱۳۷۶). *کردها و کردستان*، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: پانید.
- [۳۲] کولیوررایس، کلارا (۱۳۶۶). *زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان*، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد: آستان قدس رضوی.
- [۳۳] گابریل، آلفونس (۱۳۷۱). *عبور از صحاری ایران*، ترجمه فرامرز سمیعی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- [۳۴] مالکوم، جان (بی‌تا). *تاریخ ایران*، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، تهران: یساولی / فرهنگسرا.
- [۳۵] مکبن روز، الیزابت (۱۳۷۳). *با من به سرزمین بختیاری بیایید*، ترجمه و حواشی مه‌راب امیری، تهران: آئزان.
- [۳۶] مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۷۹). *کرد، ترجمه و توضیح حبیب‌الله تابانی*، تهران: گستره.
- [۳۷] نیکیتین، واسیلی (۱۳۷۸). *کرد و کردستان*، بررسی جامع از دیدگاه سیاسی، جامعه‌شناسی و تاریخ، ترجمه محمد قاضی، تهران: کانون فرهنگی انتشارات درایت.
- [۳۸] واعظ شهرستانی، نفیسه (۱۳۸۸). *سیاست عشایری دولت پهلوی اول*، تهران: تاریخ ایران.

[۳۹] وان بروین سن، مارتین (۱۳۹۳)، *جامعه‌شناسی مردم کرد* (آغا، شیخ و دولت)، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: پانیذ.

[۴۰] ویلیامز جکسن، ابراهیم (۱۳۵۷). *سفرنامه جکسن، ایران در گذشته و حال*، ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، تهران: خوارزمی.

[41] Bruinessen, Martin Van (2001). "From Adele Khanom to Leyla Zana: Women as Political Leaders in Kurdish history", *Women of a Non-State Nation: the Kurds*. ed. Shahrzad Mojab, California: Mazda Publisher. PP.95-112.

[42] Morgan, I, (1914). *Feudalism in Persia, Its origin, Development and Present condition*, Washington: Annual Report of the Board of Regents of the Smithsonian Institute.

[43] Nashat, Guity (1983). *Women and Revoluting in Iran*. Bouldes, Colorado: Westview Psens.

